



چرا خداوند بزرگ ربا خواری را حرام کرده است؟ چرا اسلام، آن را این قدر تقبیح نموده است؟ و چرا این همه آیات و روایات در نکوهش آن وارد شده است؟ این سؤالی است که همه می‌خواهند پاسخ آن را بدانند.

قبل از ورود به این بحث و پاسخ به این سؤال، لازم است به عنوان مقدمه، بحث کوتاهی در مورد علل و مصالح احکام داشته باشیم .

آیا بحث از علل احکام برای ما جایز است ؟

بعضی می‌گویند: هنگامی که دستوری از سوی خداوند حکیم صادر شد، باید آن را بی چون و چرا اجرا کرد، و ما را نرسد که درباره علل آن گفتگو بکنیم، بعلاوه مصالح احکام غالباً امور اسرارآمیزی است که بر ما پوشیده است .

ولی ما معتقدیم: اگر چه دسترسی به علل قسمتی از احکام شرع برای ما مشکل است، ولی در بسیاری از موارد می‌توانیم به مصالح و مفسدات احکام شرع دست یابیم و تلاش برای وصول به این مقصد، برای ما به دو دلیل مجاز است:

1- نخست این که در قرآن مجید و روایات اسلامی کراراً در مورد آن بحث شده و به اصطلاح به ما چراغ سبز داده شده است که از فلسفه احکام سخن بگوییم.

قرآن در مورد فلسفه نماز، زکاة، حج 32 و... بحث کرده است و در احادیث معصومین (علیهم السلام) به صورت گسترده‌تر این موضوع مطرح شده است؛ تا جایی که بعضی از علمای بزرگ شیعه در این زمینه کتاب یا کتابهای مستقلی تألیف کرده‌اند. 33

نتیجه این که طرح این مباحث در کتاب و سنت به طور گسترده دلیل بر جواز گفتگو از آن است و اگر جایز نبود نباید در قرآن مجید و کلمات معصومین (علیهم السلام) مطرح می‌شد .

2- همانطور که قول و فعل معصومین (علیهم السلام) برای ما حجت است، تقریر آن بزرگان نیز برای ما حجت است و در تاریخ می‌خوانیم که بسیاری از اصحاب پیامبر اکرم (ص) یا ائمه اطهار (علیهم السلام) از این پیشوایان بزرگ در مورد علل احکام سؤال می‌کردند و آنها پاسخهای روشنی می‌دادند و این خود امضای عملی از جانب معصومین (علیهم السلام) نسبت به این کار است وگرنه باید به نوعی از این کار منع می‌فرمودند.

نتیجه این که طبق دو دلیل بالا، ما احتمالاً می‌توانیم درباره مصالح و مفسدات احکام بحث نماییم و از آن آگاه شویم و این کار قطعاً مجاز است، ولی چنان نیست که اگر فلسفه حکمی را درک نکنیم بتوانیم آن را ترك کنیم .

فایده بحث از فلسفه احکام

پذیرفتیم که بحث درباره فلسفه احکام برای ما مجاز است ولی ما که می‌دانیم خداوند حکیم است و هیچ يك از کارهای او بی حساب نیست و حتماً دستورات و قوانین او طبق مصالح و مفسداتی است، بنابراین چه لزومی دارد که به فلسفه تك احکام پی ببریم آیا همین مقدار آگاهی اجمالی - که هیچ حکمی بی حکمت نیست - کافی نیست؟

جواب این سؤال این است که «علم تفصیلی» به فلسفه و علل احکام فایده‌ای دارد که در علم اجمالی - که در بالا به آن اشاره شد - حاصل نمی‌شود.

زیرا هنگامی که انسان به مصالح يك تکلیف واجب پی ببرد یا ازمفسده يك تکلیف حرام‌آگاه شود به یقین انگیزه قویتری برای انجام آن تکلیف و ترك این حرام پیدا می‌کند، همانطور که اگر شخص بیماری به خواص داروهای که برای او تجویز شده به طور تفصیل مطلع شود و از ضرر و زیانهای چیزهایی که برای او ممنوع شده آگاه گردد، انگیزه قویتری برای مصرف کردن این داروهای تلخ و خودداری از خوردن غذاهای ممنوع خوشمزه، پیدا می‌کند و به یقین یکی از علل طرح این مباحث در کلمات پیامبر (ص) و ائمه معصومین - سلام الله علیهم اجمعین - همین مسئله است .

نتیجه این که: اولاً ما حق داریم از فلسفه احکام بحث کنیم و ثانیاً این بحث، صرفاً يك بحث علمی نیست و فایده عینی و عملی برای عموم مکلفین دارد. با این بحث کوتاه درباره فلسفه احکام به بحث «علل تحریم ربا» باز می‌گردیم.

آنچه از آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) و تحلیل عقلی در مورد فلسفه تحریم ربا استفاده می‌شود، این است که تحریم این کار زشت و قبیح حداقل پنج نکته مهم و دلیل عمده دارد .

نکته اول: ربا «اکل مال به باطل» است .

توضیح این که مطابق آنچه از قرآن مجید و احادیث استفاده می‌شود، ربا اکل مال به باطل است و بدون شك «اکل مال به باطل» حرام است، بدین جهت ربا نیز حرام است .

معنی اکل مال به باطل این است که انسان بدون دلیل منطقی و عقلی، درآمدی داشته باشد و به عبارت دیگر اکل به باطل، در آمد بی جهت و بادآورده است .

«قمار» اکل مال به باطل است، چون در آمدی بدون دلیل منطقی و شرعی، «شراب فروشی» و درآمد حاصل از آن اکل مال به باطل است چون نه خدمتی به فرد است نه جامعه، بلکه کاری است که به فساد و ننگ و خرابی فرد و جامعه منجر می‌گردد.

این يك اصل کلی در تمام ابواب معاملات اسلامی است .

از آیه‌ای که در مذمت یهود در سوره نساء آمده است، استفاده می‌شود که رباخواری همانند اکل مال به باطل است، چون خداوند در این آیه شریفه، ربا خورای را در ردیف اکل مال به باطل قرار داده، می‌فرماید: «فیظلم من الذين هادوا حرمنا عليهم طيبات احلت لهم و صدھم عن سبيل الله كثيراً و اخذھم الربا و قد نھوا عنه و اكلھم اموال الناس بالباطل و اعتدنا للکافرين منهم عذاباً الیماً؛ بخاطر ظلمی که از یهود صادر شد، و (نیز) بخاطر جلوگیری بسیار آنها از راه خدا، بخشی از چیزهای پاکیزه را که بر آنها حلال بود، حرام کردیم. و (همچنین) بخاطر ربا گرفتن، در حالی که از آن نهی شده بودند؛ خوردن اموال مردم به باطل؛ و برای کافران آنها، عذاب دردناکی آماده کرده‌ایم»³⁴.

بنابراین ربا، نوعی اکل مال به باطل و درآمدی بدون دلیل عقلی و منطقی و بی جهت و در ردیف ثروتهای بادآورده .

سؤال: به نظر می‌رسد که بعضی از کارهای مشروع در اسلام، مثل مضاربه نیز درآمدی بدون دلیل است، چون سرمایه گذار هیچ زحمتی نمی‌کشد و فقط با استفاده از سرمایه خود سود می‌برد، همانند رباخواران که زحمتی متحمل نمی‌شوند و پیوسته سود می‌برند.

جواب: پاسخ این سؤال با توجه به يك نکته روشن می‌شود و آن این که سرمایه‌ای که در مضاربه مورد استفاده واقع می‌شود اگر مشروع باشد و در راه مشروع نیز بکار گرفته شود و طبق قرار داد مضاربه، معامله و تجارت انجام گیرد، فرق روشنی با ربا دارد، چون اولاً مضاربه کاری معقول و منطقی است که در طریق خدمت جامعه قرار می‌گیرد، در حالی که رباخوار هیچ گونه خدمتی نمی‌کند و ثانیاً در مضاربه، احتمال سود و زیان هر دو هست؛ یعنی سرمایه‌گذار و کارگزار (عامل) هر دو در سود و زیان سهیم هستند.

در حالی که در ربا احتمال زیان منتفی است و تمام زیانها متوجه وام‌گیرنده است. بنابراین مقایسه این دو با هم صحیح نیست و مضاربه و امثال آن همچون سرمایه‌گذاری در کارهای تولیدی و صنعتی و زراعی، هرگز اکل مال به باطل نیست.

دومین دلیل بر این که رباخواری اکل مال به باطل است، روایتی است که محمد بن سنان 35 از امام هشتم حضرت علی بن موسی الرضا - علیه آلا الف التحية و الثناء - نقل کرده است: قال الرضا (ع): «و علة تحريم الربا لما نهى الله عزوجل عنه، و لما فيه من فساد الاموال، لان الانسان اذا اشترى الدرهم بالدرهمين كان ثمن الدرهم درهما، و ثمن الاخر باطلا فبيع الربا و شراؤه و كس على كل حال على المشتري و على البائع فحرم الله عزوجل على العباد افلربا لعله فساد الاموال كما حظر على السفينة ان يدفع اليه ماله لما يتخوف عليه من فساد حتى يونس منه رشد، فلهذه العلة حرم الله عزوجل الربا...؛ حضرت رضا (ع) در این روایت برای حرمت ربا دو دلیل ذکر فرموده است: نخست سخن خداوند متعال در قرآن مجید که از ربا خواری نهی کرده است، دیگر این که ربا خواری اکل مال به باطل است، سپس امام (ع) مثال می‌زند که اگر کسی يك درهم را به دو درهم بفروشد، 36 در این معامله يك درهم در مقابل يك درهم قرار می‌گیرد اما درهم دومی که فروشنده از خریدار می‌گیرد باطل است و دلیل عقلی و منطقی ندارد به همین جهت اکل مال به باطل است از این رو ربا خواری حرام شده است سپس چنین معامله‌ای را که باعث فساد اموال می‌شود به معامله انسان سفیه تشبیه می‌کند؛ یعنی معامله ربوی شبیه معامله سفیهی است و معامله سفیهی باطل است»³⁷.

نتیجه این که طبق آیه شریفه و این روایت، ربا خواری نوعی اکل مال به باطل است و به همین جهت تحریم شده است .

نکته دوم: ربا باز دارنده مردم از تلاشهای اقتصادی سازنده است .

ربا سبب می‌شود که مردم از تجارتها و معامله‌های مفید و سودمند، اما پر زحمت و حلال، روی گردان شده، جذب این معامله فاسد و پر درآمد و کم زحمت و حرام بشوند و در این زمینه روایات متعددی داریم .

عن هشام بن الحكم انه سال ابا عبدالله (ع) عن علة تحريم الربا فقال: انه لو كان الربا حلالا لترك الناس التجارات ما يحتاجون اليه فحرم الله الربا لتنفر الناس من الحرام الى الحلال و الى التجارات من البيع و الشراء فيبقى ذلك بينهم في القرض³⁸.

«هشام بن حکم - که یکی از اصحاب معروف امام صادق (ع) است - از آنحضرت پرسید: چرا ربا حرام شده است؟ حضرت فرمودند: اگر رباخواری حلال بود مردم کارهای مفید تجاری و هر آنچه را که به آن احتیاج داشتند 39 ترك می‌کردند؛ به همین جهت خداوند ربا را حرام کرد تا مردم از آن متنفر شوند و به سوی کارهای حلال و تلاشهای اقتصادی مفید بروند و وام فقط به صورت قرض الحسنه باقی بماند». و به عبارت دیگر ربا خواران همیشه سربار جامعه انسانی و افراد مفتخواری هستند و پیوسته خون دیگران را می‌مکنند مانند حیوانی که خود تولید خون نمی‌کند و از بدن حیوانات دیگر خون می‌مکد و این کار رباخوار مشمول روایت مشهور حضرت رسول اکرم (ص) است که فرمودند: ملعون من القى كلة على الناس 40 «کسی که بار خود را بر دوش جامعه بیفکند و سربار مردم باشد مورد لعن و نفرین است» بانکهای ربوی دنیای امروز نیز، تبدیل به کانون درآمدکاذب شده و روز سرمایه دارتر و در مقابل، مردم فقیرتر و مستضعفتر می‌شوند.

نکته سوم: ربا مصداق بارز ظلم است .

در آیه 279 سوره بقره، ذیل بحث ربا، خواندیم «... لا تظلمون و لا تظلمون» نه ظلم کنید و نه زیر بار ظلم بروید؛ یعنی اگر ربا بگیرد ظلم کرده‌اید پس با ربا گرفتن ظلم نکنید و اگر سرمایه اصلی شما را به شما باز نگردانند به شما ظلم شده است، به همین جهت باید سرمایه اولیه به شما برگردد تا مورد ظلم قرار نگیرید.

بنابراین آیه فوق، ربا را مصداق ظلم می‌داند و قبح ظلم نیازی به بیان ندارد و به اصطلاح فقها و اصولیون از مستقلات عقلیه است .

در روایت محمد بن سنان نیز خواندیم که امام علی بن موسی الرضا (ع) می‌فرماید: «... و لما فی ذلك من الفساد و الظلم...»⁴¹ و به خاطر این که ربا منشأ فساد و ظلم است ربا حرام شده است .

چرا ربا نوعی ظلم است ؟

تمام افرادی که در جامعه فعالیت اقتصادی دارند هم سود دارند و هم زیان، کارخانه‌ها، مزارع، تجارتها، صنعتها، دامداریها، کارهای خدماتی و... مشمول این قانون هستند و تنها ربا خواران از این قانون مستثنی هستند و فقط سود می‌برند و زیان نمی‌بینند. بنابراین در جامعه‌ای که همه سود و زیان دارند رباخواران سود خالص می‌برند بی آن که کار مفیدی انجام دهند و این ظلم است و مفتخواری و کار بی زحمت، به همین جهت گاه از ربا خواری به «گنج بی رنج» یا سود باد آورده تعبیر کرده‌اند و به همین دلیل ربا خواری یکی از عوامل نظام طبقاتی است، چرا که عده قلیلی به خاطر ربا خواری گسترده، همه چیز دارند و تعداد کثیری، فاقد همه چیز هستند و عجیب این که این فاصله طبقاتی، طبق نظریه آگاهان و خبرگان در دنیای امروز، در حال افزایش است و هر چه زمان به پیش می‌رود فاصله بین ثروتمندان و فقراء بیشتر می‌شود، تا آنجا که بعضی از کشورها هر چه درآمد دارند باید به عنوان سود وامهایی که گرفته‌اند بپردازند، و خطرات این امر بر کسی پوشیده نیست .

و روشن است که چنین دنیا و جامعه‌ای که هر روز فقیرش، فقیرتر و ثروتمندش، ثروتمندتر می‌شود، ظالمانه است؛ چندی قبل آماري دیدم که بسیار تکان دهنده بود؛ این آمار می‌گوید: 80 درصد از ثروت دنیا در دست 20 درصد مردم دنیاست و 20 درصد ثروت دنیا در دست 80 درصد مردم دنیاست، یعنی اگر تعداد مردم دنیا را فرضاً 100 نفر در نظر بگیریم و ثروت دنیا را هم 100 تومان بدانیم، 80 تومان آن در دست 20 نفر و 20 تومان آن در دست 80 نفر می‌باشد!

و به یقین یکی از علت‌های عمده این فاصله طبقاتی ربا خواری است و ما باید خداوند متعال را شاکر باشیم که به برکت اسلام و انقلاب اسلامی در حال تحول از این پدیده‌ها خطرناک هستیم، هر چند هنوز به کمال مطلوب نرسیده‌ایم.

نکته چهارم: ربا باعث تضعیف عواطف انسانی است.

ربا خواری باعث بر چیده شدن یا ضعف عواطف انسانی است و این مسئله در چند روایت از معصومین (علیهم السلام) مورد تأکید قرار گرفته است.

1- عن سماعة قال: قلت لابی عبدالله (ع): انی قدر أیت الله تعالی قد ذکر الربا فی غیر آیت وکرره؟ قالوا او تدری لم ذاک؟ قلت: لا، قال: لئلا یمتنع الناس من اصطناع المعروف. 42

سماعة - که یکی از روایان معروف حدیث و از اصحاب امام صادق (ع) است می‌گوید: به حضرت صادق (ع) عرض کردم: چرا خداوند متعال مسئله ربا را در قرآن به طور مکرر مطرح کرده (و تحریم نموده) است؟!

امام فرمود: علت آن را می‌دانی؟ عرض کردم: نه، حضرت فرمود: به خاطر این که مردم - در اثر ربا خواری - از کارهای خیر و شایسته (مانند قرض الحسنه) باز نمانند.

2- قال الصادق (ع): «انما حرم الله عزوجل الربا لکیلا یمتنع الناس من اصطناع المعروف» 43 فرمود: «علت حرمت ربا این است که مردم از کارهای خیر و شایسته باز نمانند». و روایات متعدد دیگری که نزدیک به همین مضمون است. 44

منظور از «اصطناع معروف» (انجام کار نیک) در اینجا چیست؟

منظور قرض الحسنه است 45 که یکی از مهمترین کارهای عاطفی در جامعه بشری است؛ بلکه از صدقه هم برتر و مهمتر است، به همین جهت در روایتی وارد شده است که صدقه 10 حسنه و ثواب دارد و قرض الحسنه 18 ثواب دارد! 46

و شاید دلیلش این باشد که قرض الحسنه دو کار می‌کند، نخست این که نیاز نیازمندی را بر طرف می‌کند که این مشترک بین صدقه و قرض الحسنه است.

دوم این که آبروی افراد نیازمند آبرومندی که برای حفظ آبروی خویش، حاضر به قبول صدقه نیستند را حفظ میکند، بنابراین هم رفع نیاز می‌کند و هم حفظ آبرو.

و اما خصوص عدد مذکور شاید بدین جهت باشد که هر کار خیری (به مضمون من جاء بالحسنة فله عشر امثالها) 10 حسنه دارد 47 و چون قرض دهنده دو کار خیر کرده است (رفع نیاز، حفظ آبرو) بنابراین استحقاق بیست حسنه دارد ولی چون پول وام به او باز می‌گردد، دو حسنه از آن کم می‌شود، لذا قرض الحسنه 18 حسنه دارد و صدقه 10 حسنه، چون در صدقه يك کار خیر بیشتر انجام نشده است. (دقت فرمایید).

نتیجه این: که همانا، فلسفه حرمت ربا این است که ربا خواری عاطفه انسانی را ضعیف یا نابود نکند.

پاورقی ها :

22- شراب نیز همینطور است، در چندین روایت وارد شده است که خداوند در شراب 10 گروه را لعنت کرده است؛ ركب. به وسایل الشیعه، جلد 12، ابواب ما یکتسب به، باب 55، حدیث 3 و 4 و 5.

23- وسایل الشیعه، جلد 12، ابواب الربا، باب 1، حدیث 2.

24- وسایل الشیعه، جلد 12، ابواب الربا، باب 1، حدیث 13 و مستدرک الوسایل، جلد 13، ابواب الربا، باب 1، حدیث 1.

25- وسایل الشیعه، جلد 12، ابواب الربا، باب 1، حدیث 17.

26- عن النبی (ص): انه قال: اذا ظهر الزنا والربا فی قرية اذن فی هلاکها، مستدرک الوسایل، جلد 13، ابواب الربا، باب 1، حدیث 11، ترجمه: پیامبر اسلام (ص) فرمودند: هرگاه در منطقه‌ای دو عمل زشت زنا و ربا آشکار شود، خداوند اجازه نابودی آن منطقه را می‌دهد.

27- مستدرک الوسایل، جلد 13، ابواب الربا، باب 1، حدیث 10.

28- ركب. به وسایل، جلد 12، ابواب الربا، باب 1، و مستدرک الوسایل، جلد 13، ابواب الربا، باب اول.

29- در این زمینه فقها بسیار سخن گفته‌اند که به دو نمونه آن اشاره می‌شود:

الف: صاحب جواهر در کتاب پر ارزش خود - که هیچ فقیهی بی نیاز از آن نیست - می‌فرماید:

الفصل السایع فی الربا المحرم کتابا و سنة و اجماعاً من المؤمنین بل المسلمین بل لا یبعد کونه من ضروریا الدین فیدخل مستحله فی سلك الکافرین: «ربا از نظر قرآن، احادیث معصومین (ع) و اجماع شیعیان بلکه تمام مسلمانان حرام است؛ بلکه بعید نیست که از ضروریات دین باشد که منکر آن در زمره کافرین باشد». (جواهر الکلام، جلد 23، صفحه 322).

30- این قدامه که از فقهای معروف اهل سنت است می‌گوید: الربا فی اللغة هو الزیادة... و هو محرم بالکتاب و السنة و الاجماع... واجمعت الامة علی ان الربا محرم: «ربا در لغت به معنای زیاده است... و از نظر قرآن و روایات و اجماع، حرام است». المعنی، جلد 4، صفحه 133.

31- ضروری به احکامی گفته می‌شود که هر تازه مسلمانی که وارد جمعیت مسلمانان می‌شود پس از مدت کوتاهی، پی می‌برد که این حکم، یکی از احکام اسلام است؛ مثل وجوب نماز و حرمت شراب و...

32- وسایل الشیعه، جلد 12، ابواب الربا، باب 2، حدیث 1.

33- بلکه ندیدیم کسی به این دلیل در حرمت ربا استدلال کند.

34- خداوند متعال فلسفه نماز را دوری از فحشاء و منکرات می‌داند؛ و سوره عنکبوت آیه 45 می‌خوانیم: و اقم الصلوة ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر. و فلسفه زکاة را طهارت روح و تزکیه نفس بیان می‌کند؛ در سوره توبه آیه 103 آمده است: خذ من الموالیم صدقة تطهیر هم و تزکیهم بها. و در مورد فلسفه حج می‌فرماید:

لیشهدوا منافع لهم و یذکرو اسم الله فی ایام معلومات؛ ترجمه: «مردم را به انجام مناسک حج دعوت کن تا (در آنجا منافع دنیوی و اخروی) که برای مردم است را شاهد و ناظر باشند و در ایام مشخصی یاد خدا کنند.

35- مرحوم شیخ صدوق - رحمة الله علیه - علل احکام را در کتاب پر ارزش خود به نام «علل الشرایع» جمع آوری نموده است؛ همانطور که مرحوم شیخ حرّ عاملی -

رضوان الله تعالى عليه - در کتاب با ارزش خود «وسایل الشیعه» که هیچ فقیهی از آن بی نیاز نیست، در هر موضوعی که وارد می‌شود، در بابهای اولیه سراغ علل احکام می‌رود و روایات وارده در این موضوع را نقل می‌کند.

36- سوره نساء، آیه 160 و 161.

37- محمد بن سنان از اصحاب امام علی بن موسی الرضا (ع) است و غالباً علل احکام را که حضرت رضا (ع) فرموده است ایشان نقل می‌کند ولی در علم رجال محل بحث و اختلاف است، عده‌ای جداً او را توثیق می‌کنند و بعضی تضعیف می‌نمایند و گروه سومی قائل به توقف شده‌اند، ولی نظر به این که ما در اینجا در صدد اثبات حکم شرعی نیستیم، بلکه فلسفه حکم را بیان می‌کنیم مشکلی ایجاد نمی‌شود.

38- لازم به یادآوری است که ربا دو قسم است:

39- وسایل الشیعه، جلد 12، ابواب الربا، باب 1، حدیث 11.

40- وسایل الشیعه، جلد 12، ابواب الربا، باب 1، حدیث 8.

41- جمله «ما یحتاجون الیه» عام است و شامل انواع و اقسام منابع درآمد حلال مثل زراعت، صنعتها، احداث کارخانه‌جات و... می‌شود .

42- وسایل الشیعه، جلد 12، ابواب مقدمات البیع، باب 6، حدیث 10.

43- وسایل الشیعه، جلد 12، ابواب الربا، باب 1، حدیث 11.

44- وسایل الشیعه، جلد 12، ابواب الربا، باب 1، حدیث 3.

45- وسایل الشیعه، جلد 12، ابواب الربا، باب 1، حدیث 4.

46- وسایل الشیعه، جلد 12، ابواب الربا، باب 1، حدیث 9 و 10 و 11.

47- همانطور که در روایت محمد بن سنان حدیث 11، باب 1، من ابواب الربا، جلد 12 وسایل الشیعه، این معنی آمده است که امام رضا (ع) فرمودند: و ترکهم القرض و القرض صنایع المعروف.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی